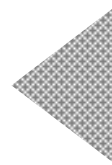


بازشناسی یک حوزه نوظهور و نسبت آن با اقتصاد

# پیوند متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی



سید احسان خاندوزی

## مقدمه

سرمایه اجتماعی از حوزه‌های نوظهور و جنجال آفرین در مطالعات میان رشته‌ای جامعه‌شناسی و اقتصاد تلقی می‌شود. این مقاله پس از معرفی انواع و کارکردهای سرمایه اجتماعی به این مقوله می‌پردازد که توسعه یافتگی اقتصادی چه اثری بر وضعیت سرمایه اجتماعی دارد و همینطور تقویت یا زوال سرمایه اجتماعی چه تأثیری در فرایند توسعه اقتصادی خواهد داشت.

## ۱- تعریف‌ها و گونه‌های سرمایه اجتماعی

### ۱-۱- تعریف و برداشتها از سرمایه اجتماعی

ادبیات کنونی حوزه سرمایه اجتماعی بیشتر متأثر از دیدگاه‌های «جیمز کلنن» در دهه ۱۹۸۰ و «رابرت پاتنم» در دهه ۱۹۹۰ و تا حدی «فرانسیس فوکویاما» است. آن ویژگی که پاتنم بیشتر بر آن تأکید دارد، قابلیت شبکه‌ها و هنجارها در ایجاد و تسهیل منافع جمعی و دوسویه است، در حالیکه کلنن بیشتر توجه خود را به منافع حاصل برای افراد معطوف می‌کند. این تقسیم‌بندی در انواع تعاریف و کارکردهای سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در اهداف عملیاتی برای توسعه جامعه دارد. تعاریفی که با نگاه منافع جمعی تناسب دارد، عبارتند از:

الف) ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که همبستگی و همکاری برای منافع دوسویه را تسهیل می‌کند<sup>۱</sup>.

ب) شبکه‌های ارتباط و هنجارهایی که مردم را قادر می‌سازد به صورت جمعی فعالیت کنند<sup>۲</sup>.

ج) محصول تعاملات اجتماعی که امکان کمک به بهزیستی مدنی و اقتصادی را در یک جامعه با هدف مشترک فراهم می‌کند<sup>۳</sup>.

در تعاریف گونه دوم از سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که در جهت منافع افراد به کار می‌آید، یاد می‌شود. به عنوان بارزترین نمونه‌ها:

د) نوع خاصی از منابع اجتماعی که در دسترس کنشگران قرار می‌گیرد و بر خلاف دیگر انواع سرمایه، در ساختار روابط میان کنشگران تعبیه شده است.<sup>۴</sup>

ه) مجموع منابع بالقوه و بالفعلی که با دارا بودن یک شبکه پایدار از روابط نهادینه شده (آشنایی و همکاری) مربوط است و برای هر یک از اعضایش پشتوانه‌ای جمعی فراهم می‌کند و در اختیار وی قرار می‌دهد.<sup>۵</sup>

آنچه که بیان شد، مهمترین تمایز در تقسیم تعاریف سرمایه اجتماعی است که برخی چون «فالك و کیلیاتریک» با همین عبارت منافع جمع و فرد به آن اشاره کرده‌اند<sup>۶</sup> و برخی دیگر از عبارت نگاه فرهنگی و نگاه سرمایه‌گذاری مشخص بهره برده‌اند.<sup>۷</sup> همانطور که اشاره شد کاربردترین تعاریف سرمایه اجتماعی به بیان افرادی چون پاتنم یا فوکویاما نزدیک است و به طور خلاصه به نهادها، روابط و هنجارهایی برمی‌گردد که کمیت و کیفیت تعامل اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. این سرمایه هم خارج از مالکیت افراد است و هم باید آنرا در متن ارتباطات اجتماع جستجو کرد.<sup>۸</sup> در اصل سرمایه اجتماعی در محدوده تعلق گروه‌ها و جامعه‌هاست. درست بر عکس سرمایه انسانی معمول (مانند مهارت) که رابینسون کروزونه می‌تواند در جزیره دور افتاده‌اش به تنهایی آنرا کسب نماید، هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنادار است که یک جمع هرچند کوچک در آن سهیم شوند. در اینصورت است که مبادله اطلاعات، روابط اعتماد، حمایت یا همکاری معنا دارد.<sup>۹</sup>

دلایلی چند وجود دارد که توجیه می‌کند چرا ما این ویژگی روابط انسانی را گونه‌ای از سرمایه نام می‌نهم:

اول اینکه مانند دیگر انواع سرمایه، سرمایه اجتماعی نیز منبعی است با امکان سرمایه‌گذاری برای انتظارات آینده و همراه بازدهی و ناطمینانی. سرمایه‌گذاری در ساختن شبکه روابط خارجی، کنشگران را در جهت دستیابی به اطلاعات و قدرت توانمند می‌سازد و توسعه شبکه‌های درونی به کنشگران جمعی امکان تقویت هویت جمعی و کارهای مشارکتی را فراهم می‌نماید. به عبارت دیگر همیشه نمی‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی برونزا و غیر قابل کنترل یاد کرد.

دیگر آنکه سرمایه اجتماعی مانند گونه‌های دیگر سرمایه، چند منظوره و تبدیل‌پذیر است. شبکه‌های دوستانه کنشگران اجتماعی مانند سرمایه‌های فیزیکی می‌تواند برای اهداف متفاوت به کار گرفته و به تولید کمک کند. همچنین منافی که افراد از جایگاهشان در شبکه می‌برند قابل تبدیل به دیگر انواع سرمایه بویژه سرمایه اقتصادی است. شاید به همین دلیل، اعتبار و اعتماد را گاه به عنوان جایگزین سرمایه مالی مطرح می‌کنند. پس به عنوان سومین بعد می‌توان به جایگزینی یا مکمل بودن برای دیگر منابع اشاره

کرد. عوامل اقتصادی می‌توانند گاه کمبود سرمایه اقتصادی یا انسانی خویش را با روابط قوی‌تر جبران نمایند یا نقش تکمیلی ایفا کنند. مثلاً کارایی سرمایه اقتصادی را می‌توان با کاهش هزینه انتقالی توسط سرمایه اجتماعی کاملتر نمود.

چهارم اینکه مانند سرمایه فیزیکی و انسانی (و بر خلاف سرمایه‌های مالی) سرمایه اجتماعی نیازمند حفاظت و هزینه نگهداری است و باید به طور متناوب بازسازی و تقویت شود. همچنین این سرمایه در مشابهت با سرمایه انسانی نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی ندارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مانند دانش و مهارت یا برخی انواع کالای عمومی با عدم استفاده دچار استهلاک می‌شود نه مصرف بیشتر.

در نهایت سرمایه اجتماعی مانند امنیت خیابان‌ها یا پاکی محیط یک کالای جمعی است که به مالکیت فردی استفاده کننده در نمی‌آید و جایگاه آنرا باید در روابط میان کنشگران جستجو نمود نه در دست یا ذهن ایشان. این کالای جمعی هرچند قابلیت منحصر کردن را دارد اما استفاده از آن غیر رقابتی است.<sup>۱۰</sup>

بنا به دیدگاهی که کلمن در کتابش به آن اشاره می‌کند، سرمایه بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از صورت‌های گوناگون است که با ماهیتی مشابه، دو عنصر را همراه خود دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی‌اند و ثانیاً برخی کنشهای خاص عاملان اجتماعی و اقتصادی را در محدوده ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه مولد است یعنی تحقق اهداف معینی را که در نبودش محقق نمی‌شوند، امکان‌پذیر می‌گرداند. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه‌های فیزیکی یا انسانی کاملاً قابل معاوضه یا جانشینی نیست بلکه ممکن است مختص فعالیتهای معینی باشد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر اشکال سرمایه، به طور ذاتی در ساختار روابط کنشگران با هم و رابطه بین آنها حضور دارد. این سرمایه در خود کنشگران یا ابزار تولیدشان نهفته نیست.<sup>۱۱</sup> به عنوان مثال در بازارهای عمده فروشی الماس، یک تاجر کیسه‌ای حاوی سنگهای الماس را به دست تاجر خریدار می‌دهد تا پیش از معامله آن را در خلوت و از سر فرصت واریسی کند و همه اینها بدون هیچ ضمانت یا اطمینان رسمی بابت سرقت یا تعویض انجام می‌شود و این در حالی است که آن کیسه شاید صدها هزار دلار قیمت داشته باشد.

با بررسی دقیق می‌توان برخی از ویژگیهای ساختار اجتماعی را توضیح داد. واقعیت آن است که جامعه تاجران الماس چه از نظر تکرار کنش و واکنش‌ها و چه از لحاظ پیوندهای قومی و فامیلی معمولاً بسیار بسته است. برای مثال بازار عمده فروشی الماس در شهر نیویورک، بازار یهودی‌هاست، تعداد ازدواجهای خانوادگی در آن بالاست. و همه در یک محله بروکلین ساکن‌اند و برای عبادت به یک کنیسه می‌روند. اگر این اعتماد ساختاری وجود نداشته باشد عملکرد بازار الماس بسیار کند و به مراتب ناکارآمد خواهد

بود.<sup>۱۲</sup>

## ۲-۱- تقسیم بندی و گونه های سرمایه اجتماعی

برای رسیدن به سطح تحلیل جامعه‌شناختی و ساختار اقتصادی، آشنایی با ابعاد و گونه‌های سرمایه اجتماعی بسیار مهم است. بر اساس کار ارزشمند «وندی استون» ابعاد اصلی و ویژگی‌های عمده سرمایه اجتماعی بر چند مبنای قابل بحث است: اول در ساخت شبکه‌ها و ساختار روابط اجتماعی می‌توان مقولات زیر را به عنوان ویژگی‌های سرمایه اجتماعی متمایز کرد<sup>۱۳</sup>:

۱. نوع روابط، را می‌توان به رسمی و غیر رسمی تقسیم کرد مثلاً صندوق‌های همیاری فامیلی یا باشگاه‌های فکری یا ورزشی.
۲. اندازه شبکه‌ها، که محدود یا گسترده است مانند شبکه‌های فامیلی محلی یا جهانی.
۳. ساختار درونی روابط به گروه‌های متجانس و نامتجانس قابل تقسیم است که درجه مشابهت و همگونی اعضاء را از جهات مختلف نشان می‌دهد.
۴. ساختار برونی روابط، که باز یا بسته خواهد بود یا در طیفی میان آنها قرار می‌گیرد.
۵. سطح روابط، که در قالب شبکه‌های افقی و عمودی بیان می‌شود.

از جمله رایج‌ترین تقسیم بندی‌ها در مورد سرمایه اجتماعی، تقسیم آن به روابط افقی (همتراز) و عمودی است. این مبنا اولین بار توسط پاتنم در مورد مطالعه ایتالیا به کار گرفته شد. بر طبق این تقسیم، سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان ارزیابی نمود. سطح کلان (عمودی) شامل فضای روابط کلان میان نهادهای رسمی و ساختارهایی چون دولت و نظام حقوقی می‌شود. این سطح زیر ساختی سازمان‌ها توسط پیشگامان مباحث شناسایی نشده و مورد توجه نبود. لیکن امروز اینکه نهادهای مدنی و مردمی چگونه رابطه‌ای با نهادهای رسمی دارند و درجه پذیرش، اعتماد، جبران و اطلاع رسانی میان روابط عمودی چه کیفیتی را داراست، تأثیر شناخته شده‌ای در بهره‌وری و رفاه اجتماعی دارد. سطح خرد بیشتر به سازمان‌های افقی و شبکه‌های اجتماعی، هم در شناخت‌ها (اعتماد، انسجام و...) و هم در ساختارها اشاره دارد که در قالب‌هایی مانند گروه‌های مشارکت مردمی و خانواده عمل می‌کند<sup>۱۴</sup>.  
دوم در ساخت هنجارها و کیفیت روابط اجتماعی می‌توان دو مقوله زیر را به عنوان ویژگی‌های سرمایه اجتماعی ذکر کرد:

۱. هنجار اعتماد میان اعضاء شبکه یا نهادهای یک شبکه کلان که طیفی از بسیار ضعیف تا کاملاً قوی را شامل می‌شود.
۲. هنجار جبران و بازتاب رفتارها که اعضاء خود را موظف به جبران مستقیم/ غیر مستقیم یا فوری/ با تأخیر کمک‌ها بدانند.

تقسیم‌بندی گونه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در تحلیل روابط اقتصادی و اجتماعی و درک تمایزهای گروه‌ها و نهادهای اقتصادی مختلف بسیار راهگشاست. به بیان دیگر این تقسیم‌بندی، مبنای مفیدی برای تحلیل وضعیت انباشت سرمایه در یک جامعه یا شناسایی ابعاد ضعیف آن تلقی می‌شود. اما باید یادآور شد که نوعی پیوند میان گونه‌های فوق وجود دارد. به طور مثال جوامعی که هنجار اعتماد میان کنشگران اقتصادی آن ضعیف است، نمی‌تواند از قدرت شبکه سازی و روابط افقی قوی برخوردار باشد و همچنین تأثیر سیاستهای نهادهای رسمی نیز در سطوح خرد جامعه بسیار متزلزل خواهد بود. اگر با هدفی کاربردی و سیاستگذارانه به این موضوع توجه کنیم، لازم است بدانیم که آبخوره‌های شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی در چه منابعی قرار دارد تا بدین ترتیب بتوانیم برای اصلاح مقوله‌های سرمایه اجتماعی، ابزارهای تأثیرگذار را فراهم نماییم. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان منابع سرمایه اجتماعی را به چهار دسته متمایز کرد<sup>۱۵</sup>:

۱- منابع طبیعی شامل خویشاوندی و نژاد و قومیت: با وجود تغییراتی که در ساختار خانواده ایجاد شده است، خویشاوندی به عنوان قوی‌ترین شکل ارتباط اجتماعی در جوامع معاصر باقی خواهد ماند. هرچند اخلاق جدید غرب بر کوس اخلاق خودخواهانه فردگرا کوبیده و پایه‌های ارزشی فرهنگ خویشاوندی را سست نموده و علوم سیاسی لیبرال و اقتصاد کلاسیک بر این اصل موضوعه مبتنی است، اما قدرت هویت بخشی و جامعه‌پذیری خانواده و در مناطق دیگر قومیت یا نژاد هنوز بی‌بدیل و بهترین زمینه برای شبکه‌های ارتباطی خواهد بود.

۲- منابع نهادی که عموماً عقلانی و رسمی است: یعنی هنجارها در نتیجه کنش هدفمند مؤثر بر اجتماع به طور کلی از طریق نهادی مانند دولت ساخته شده باشد. نظام‌های سوسیالیست یا دموکرات به شیوه‌های گوناگونی عامل سرمایه اجتماعی هستند. در جوامع دموکراتیک، منبع اصلی هنجارسازی قانون و آموزش است. نوشته‌های حقوقی فراوانی وجود دارد که شیوه‌هایی را مقرر کرده‌اند که بر اساس آن، نهادها مسؤول ترویج هنجارهای غیر رسمی‌اند. مثلاً «داگلاس نورث» معتقد است توسعه حقوق مالکیت در انگلستان قرن شانزدهم، برای ایجاد سرمایه‌داری جدید و هنجارهای غیر رسمی آن نقش اساسی داشت. همچنین از مهمترین منابع در اقتصاد فراصنعتی تحصیلات حرفه‌ای است که مهندسان، حسابداران، حقوقدانان و دیگران نه تنها در رشته تخصصی خود آموزش دیده و روابط حرفه‌ای برقرار کرده‌اند بلکه تربیت شده‌اند تا هنجارهای رفتاری مربوط به برنامه حرفه‌ای را نیز اطاعت کنند.

۳- منابع رفتاری خود جوش: این هنجارها به جای آنکه از قانون یا نهادهای رسمی سر برکشند، از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب تعمودی نیستند. در

گرایش ساخت‌های خود جوش عقلانی، نظریه بازی‌ها منبعی غنی از توجهات و بینش‌ها درباره توسعه هنجارهای تعاونی است که در دهه اخیر این گرایش رشد چشمگیری داشته اما به آفت تک عامل بینی دچار شده است. در گرایش ساخت‌های خودجوش غیر عقلانی افرادی چون «هایک» بر این باورند که نه یک فرآیند طرح‌ریزی شده و رسمی بلکه سابقه کنش متقابل افراد در جهت اهداف کلی حیات، یک قاعده اخلاقی عمومی ایجاد کرده است (مانند نهاد بازار). مثلاً جبران خوبی‌ها، حفظ اعتبار و روابط اعتماد، مشارکت در حوزه عمومی و گروه‌های عام المنفعه در نهایت به دستیابی اهداف و منافع فردی کمک می‌رساند. به عقیده وی آزادی سیاسی برای حراست از شبکه‌های خودجوش هنجار اجتماعی و این هنجارهای رسمی برای رشد اقتصادهای مدرن ضروری هستند.

۴- منابع برون‌زا شامل دین، ایدئولوژی و فرهنگ و تاریخ مشترک: منظور این است که هنجارها از جایی غیر از اجتماعی که در آن به کار رفته است، سرچشمه می‌گیرند و نمونه‌های تاریخی فراوانی مؤید این تأثیراند. مانند مورد معروف «وبر» در **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری** که آموزه‌های اخلاق کار در پروتستان‌تیزم از زمینه‌های مهم توسعه سرمایه‌داری در قرن هفدهم به شمار می‌رود. تفسیرهایی چون زیر بنایی بودن اقتصاد در ایده مارکس، سهم خلاق نوایغ که نظام‌های جدید مذهبی یا فرهنگی را بنیاد نهادند نادیده انگاشته و میزان تأثیر هنجارهایی را که به نهادها و نیروهای اقتصادی شکل می‌دهند، دست کم می‌گیرند. وبر به اهمیت دین نه تنها به این خاطر که اخلاق کار ایجاد می‌کند بلکه به این خاطر که شبکه‌های اعتمادی به وجود می‌آورد که برای روابط تجاری و مبادلات اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند. جریان‌های فکری-اجتماعی مختلفی بر این نکته توافق دارند که هنجارهای رفتاری اجتماع، عمدتاً از مذاهب سرچشمه می‌گیرند. حتی ارزش‌های دنیوی و مادی انسان‌ها نیز با تغییر رویکرد مذاهب امکان انتشار می‌یابند.

## ۲- رابطه توسعه و سرمایه اجتماعی

اگر پرسش محوری در این بخش رابطه توسعه یافتگی کشور با وضعیت سرمایه اجتماعی باشد، پاسخ شفاف به آن مستلزم آن است که بدانیم دقیقاً چه رویکردی به توسعه داریم؟ به تناسب تعریف و شاخصهایی که برای توسعه یافتگی ارائه کنیم، رابطه‌ای که با سرمایه اجتماعی داریم متفاوت خواهد بود. اگر به نسل اول نظریه‌پردازان توسعه بازگردیم و شاخصهای توسعه یافتگی را در روندهای صنعتی شدن، آزادسازی و رشد درآمد سرانه منحصر کنیم، آنگاه نمی‌توان ادعا کرد که هیچ تلازمی میان توسعه یافتگی کشور و افزایش سطح سرمایه اجتماعی وجود خواهد داشت.

تجربیات توسعه بویژه در کشورهای جنوب در دهه‌های ۸۰- ۱۹۶۰ (که در آن دوران با نام جهان سوم شناخته می‌شدند) نشانگر تخریب جدی روابط و شبکه‌های سنتی موجود و هنجارهای اعتماد‌آمیز در خلال روند توسعه و جایگزین نشدن آنها با نهادهای قوی و ریشه‌دار اجتماعی است. بی‌توجهی به آثار جنبی اولویت توسعه اقتصادی و برخورد تک شاخص در برنامه‌ریزیهای توسعه، موجب شد حتی در کشورهایی که روند نهادمندتری به مدرنیزاسیون اقتصادی داشتند، نیز شاهد زوال آشکار سرمایه اجتماعی باشند. مقایسه شاخصهای کشورهای اروپایی در مورد ناهنجاریها و انزوای اجتماعی و اعتراف سیاستگذاران ایالات متحده و صاحب نظران مشهوری چون پاتنم دلیل کافی بر این مدعاست.

اما این تعارض بین درجه توسعه یافتگی و سطح سرمایه اجتماعی همیشگی نبوده است. اگر نگرش‌ها به توسعه مطابق رویکردهای جامع‌تر و جدیدتر باشد، مانند آنچه آمارتیا سن در کتاب **توسعه به مثابه آزادی** تبیین می‌کند، آنگاه قطعاً ارتباط مثبت و سازنده‌ای میان آن دو برقرار می‌شود. بلکه می‌توان گفت رسیدن به سطح بالای سرمایه اجتماعی نه تنها به عنوان ابزاری برای اهداف توسعه، بلکه خود در زمره اهداف اصیل توسعه یافتگی جامعه قرار می‌گیرد.<sup>۱۶</sup> به بیان دیگر تقویت سرمایه اجتماعی کشور در راستای توسعه اجتماعی - فرهنگی و به عنوان ابزاری جهت تحقق سریع‌تر، سالم‌تر و پایدارتر توسعه اقتصادی و سیاسی نقش آفرین خواهد بود.

تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی یک جامعه بر روند توسعه نتیجه‌ای روشن‌تر دارد. به شرط آنکه محتوای سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه، با اهداف توسعه مدرن تناسب داشته یا انعطاف لازم را دارا باشد، می‌توان با قاطعیت نشان داد که اثر مستقیم آن در تسهیل و تعمیق فرایند توسعه غیر قابل انکار است. گرایشی از دانشمندان علوم اجتماعی که احیاکننده سنت توکویل هستند، طیف وسیعی از قرائن تجربی را جمع‌آوری نموده‌اند که نشان می‌دهد کیفیت زندگی عمومی و عملکرد نهادهای اجتماعی عمیقاً متأثر از هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی است. پژوهشگران مسائل آموزش و پرورش، فقر شهری، بیکاری، جرم‌شناسی و بهداشت عمومی دریافته‌اند که کارکرد و بروندهای موفقیت‌آمیز در اجتماعاتی که سرمایه اجتماعی قوی دارند، بسیار بیشتر بوده است. همچنین هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد دولت‌های ملی و محلی دارند. نتیجه نهایی ۲۰ سال مطالعه تطبیقی پاتنم در مورد دولت‌های محلی و ایالتی در مناطق مختلف ایتالیا مؤید این است که سنت‌های سابقه‌دار مشارکت مانند رأی دادن، روزنامه خواندن، عضویت در انجمن‌ها و باشگاه‌ها از نشانه‌های مناطق با دولت موثرتر و کارآتر بود. بنابراین شاید بتوان گفت شبکه‌های روابط متقابل و انسجام اجتماعی، پیش شرط مدرن‌سازی اجتماعی-اقتصادی بوده است و نه ثمره آن<sup>۱۷</sup>. فوکویاما نیز با ایده علت بودن قوت سرمایه اجتماعی برای هر نوع توسعه‌ای موافق است و تصریح می‌کند انباشت قابل ملاحظه‌ای از سرمایه اجتماعی است که یک

جامعه مدنی پیچیده را به عنوان شرط جهان مشمول و لازم برای دموکراسی آزاد تولید می‌کند.<sup>۱۸</sup> سرمایه اجتماعی به تدریج به عنصر حیاتی توسعه اقتصادی در سرتاسر جهان تبدیل می‌شود. دهها پژوهش توسعه روستایی نشان داده است که شبکه نیرومند انجمن‌های مردمی محلی، برای رشد اقتصادی به اندازه سرمایه‌گذاری فیزیکی، تکنولوژی، یا دستیابی به قیمت‌های مناسب (که دارویی است که اقتصاددانان نئوکلاسیک تجویز می‌کنند) اهمیت دارد. الینور آستروم، دانشمند علوم سیاسی در این باره تحقیق کرده است که چرا برخی از همکاری‌ها برای کنترل منابع مشترک از قبیل چراگاهها و منابع آب موفق شده ولی برخی دیگر ناکام مانده است. در این زمینه منابع موجود سرمایه اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. برعکس، دخالت‌های دولت که این زیر ساخت اجتماعی را نادیده می‌گیرد یا تضعیف می‌کند ممکن است پیامدهای نامطلوب داشته باشند.<sup>۱۹</sup>

پژوهش‌هایی که درباره اقتصادهای آسیای شرقی که به سرعت در حال رشد هستند انجام گرفته تقریباً همواره بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی متمرکز تأکید کرده است و به این دلیل چنین اقتصادهایی گاهی نماینده نوع جدیدی از سرمایه‌داری محسوب می‌شوند که «سرمایه‌داری شبکه‌ای» نام دارد. این شبکه‌ها که اغلب بر مبنای خانواده گسترده یا جوامع بسته قومی همچون چینی‌های خارج از کشور استوار هستند اعتماد، کاهش هزینه‌های معاملاتی، و سرعت اطلاعات و ابتکارات را تقویت می‌کنند. سرمایه اجتماعی را می‌توان به سرمایه مالی تبدیل کرد: در رمان باشگاه خوش‌شانس‌ها<sup>۲۰</sup> اثر آمی‌تان، گروهی از دوستان که برای بازی ماجونگ گرد هم می‌آمدند به انجمن سرمایه‌گذاری تبدیل شدند. رشد اقتصادی شگفت‌انگیز چین در دهه گذشته، برای عقد قرارداد و هدایت پس‌اندازها و سرمایه‌ها بیش از نهادهای رسمی به «گوانچی» (ارتباطات فردی) متکی بوده است.

در این میان نقش سرمایه اجتماعی مناسب در مناطق کمتر توسعه یافته قابل توجه است. چنانچه کارشناسان توسعه روستایی بر این باوراند که کارکرد این سرمایه درست باندازه سرمایه‌گذاری فیزیکی و فناوری متناسب حائز اهمیت است. در مقابل سیاست‌هایی از دولت که برای رشد و آبادانی مناطق روستایی جایگاه سرمایه اجتماعی را نادیده می‌گیرند یا آنرا بر نمی‌انگیزند همیشه با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند و گاه به اسم توسعه مالی یا صنعتی یا کشاورزی، کیفیت شبکه‌های اجتماع سنتی را در هم ریخته و بازده بسیار پایینی از روند توسعه را شاهد بوده‌اند. در سطح کلان کشورهای در حال توسعه نیز مطالعات اقتصادهای در حال رشد شرق آسیا همیشه مؤید این نکته بوده که اتکاء توسعه آنها به شبکه‌های قومی و متمرکز اجتماعی باعث ایجاد روند نوینی تحت نام «سرمایه‌داری شبکه محور» گردیده است. این شبکه‌ها که اغلب مبتنی بر خویشاوندی گسترش یافته یا قومیت است، درجه اعتماد اقتصادی بالا، هزینه‌های انتقالی پایین و سرعت گردش اطلاعات و نوآوری را در پی داشته. رشد غیر عادی چین و



چینی تبارها در دهه اخیر تا حد زیادی حاصل گروه‌های مشارکت غیر رسمی و نهادهای ارتباطی رسمی است که سرمایه و مدیریت و خلاقیت را از مناطق مختلف در کنار هم گردآورده است. این همان شیوه نوینی است که در اوضاع جهانی شدن کارایی دارد.<sup>۱۱</sup>

در خصوص اقتصادهای پیشرفته غربی نیز بسیاری از هزینه‌های اقتصادی مانند قراردادها یا شغل یابی در سایه شبکه‌های مدنی بسیار بهتر و راحت‌تر صرفه‌جویی می‌شود. مناطق صنعتی به خوبی دریافته‌اند که رفع نقایص و نوآوری و انعطاف تولید تا حد زیادی به شبکه‌های همکاری کارگران با کارآفرینان و ارتباط کیفی آنها بستگی دارد. اینها موجب شده است که در نظریه جدید رشد بیش از رویکرد غالب به ساختار اجتماعی (اثرات خارجی سرمایه انسانی) بها داده شود و تلاش شود که در چارچوب ادبیات رایج و به زبان الگوهای کمی بیان گردد. «رابرت لوکاس» بنیانگذار نظریه انتظارات عقلانی در آثارش اشاره می‌کند که انباشت سرمایه انسانی اساساً یک فعالیت اجتماعی است که با حضور گروه‌های مردمی و تعامل آنها برای بالا بردن بهره‌وری و بهزیستی اجتماعی امکان‌پذیر است.<sup>۱۲</sup> همچنین می‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان یک راهبرد در جهت حاکمیت اقتصاد بازار و نهادهای دموکراتیک استفاده کرد بویژه در مناطقی چون اروپای شرقی که متأسفانه راه برون رفت خویش از نظام کمونیستی را، روابط عمودی و سرمایه مالی می‌دانند.

### ۳- نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی

در ادامه مقدماتی که در بخشهای پیشین ذکر شد، می‌توان مهمترین تأثیرات سطح سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی را به شرح زیر فهرست نمود. هر چند این فهرست، جامع تمامی تأثیرات سرمایه اجتماعی در اقتصاد نیست و فرصت تفصیل هر مورد نیز در این مجال فراهم نیست، اما در ادبیات موجود در زمره کاملترین رویکردها به شمار می‌رود:

۱. کاهش هزینه مبادلاتی در اقتصاد و در نتیجه کاهش هزینه تولید و افزایش سرعت مبادلات؛
۲. تسهیل تأمین مالی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و عقد قراردادها و در نتیجه امکان حمایت از خلاقیتها و رشد نوآوری و فناوری؛
۳. کاهش آسیب‌های مالی و اجتماعی در دوران رکود هم برای بنگاهها و هم افراد آسیب‌پذیر و اهتمام به تعاون عمومی و توازن اجتماعی؛
۴. کاهش فساد مالی و اقتصادی از طریق بخش خصوصی رقابتی و نظارت بر حوزه عمومی؛
۵. افزایش رقابت اقتصادی از طریق فرهنگ و انگیزه شکل‌گیری گروهها و شرکتهای اقتصادی و زمینه انتقال تجارب؛

۶. افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق آرامش حاصله و انگیزش مناسب در خانواده و گروه‌های کاری و اتحادیه‌ها؛
۷. بالا رفتن هماهنگی دولت- شهروندان و اثر بخش بودن سیاست‌های اقتصادی دولت به دلیل اعتماد عمومی.

آثار اهمیت این گونه از سرمایه در نظریات جدید اقتصاد و توسعه مشهود است. اکنون شواهد تجربی نشانگر آن‌اند که سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی عامل مهمی در توسعه پایدار (همه جانبه و بین نسلی) به شمار می‌رود.<sup>۲۳</sup> همچنین روابط و هنجارهای شبکه‌ای در سطوح بخشی و خرد اقتصاد موجب جریان اطلاعات، مبادلات و سرعت حاصل از اعتماد، توزیع بهینه حاصل از نوع دوستی، درجه همکاری بالا بین بنگاه‌ها و صنایع و در نهایت کاهش هزینه‌های انتقالی و وثیقه‌ای می‌شود.<sup>۲۴</sup>

آنچه در مورد آثار سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی گفته شد، منحصر در تجربیات کشورهای در حال توسعه نیست. بلکه در تجربه ظهور و مستقر ماندن نظام اقتصاد غربی به صورتهای متفاوت و البته پویایی نقش آفرینی کرده و در توسعه اقتصادهای پیشرفته غربی نیز اهمیت به‌سزایی دارد. مارک گرانووتر جامعه‌شناس اقتصادی گفته است که معاملات اقتصادی همچون پیمانکاری یا کارایی، وقتی در شبکه‌های اجتماعی انجام گیرند کارآمدتر هستند. بیهوده نیست که یکی از راهبردهای فراگیر ثروتمندان نوکیسه «کار شبکه‌ای» است. پژوهش‌هایی که درباره «بخش‌های صنعتی بسیار کارآمد و بسیار انعطاف‌پذیر» (واژه‌ای که آلفرد مارشال، یکی از بنیانگذاران اقتصاد مدرن ابداع کرده) به عمل آمده بر شبکه‌های همکاری میان کارگران و کار آفرینان کوچک تأکید کرده است. این نقاط تمرکز سرمایه اجتماعی که هیچ شباهتی با مناطقی که آمیزه بی‌تناسبی از ویژگی‌های دوران پیش از صنعتی شدن را ندارند، چرخ صنایع فوق مدرن، از تکنولوژی پیشرفته دره سیلیکون<sup>۲۵</sup> گرفته تا صنعت مد «بتون» را به حرکت در می‌آورند. حتی نظریه‌های اقتصادی همچون «نظریه جدید رشد» نیز بیش از مدل‌های نئوکلاسیک متعارف به ساختار اجتماعی (چیزهایی که در خارج از سرمایه انسانی قرار دارند) توجه می‌کنند. رابرت لوکاس که از بنیان‌گذاران اقتصاد «انتظارات عقلانی» است می‌گوید که «انباشت سرمایه انسانی در اصل فعالیتی اجتماعی است که گروه‌های مردم را به گونه‌ای در بر می‌گیرد که در انباشت سرمایه فیزیکی همتایی ندارد».<sup>۲۶</sup>

رویکرد سرمایه اجتماعی می‌تواند در تدوین راهبردهای جدید توسعه به ما کمک کند. مثلاً پیشنهاداتی که برای تقویت اقتصادهای بازار و نهادهای دموکراتیک در کشورهای سابقاً کمونیست اروپایی - آسیایی مطرح می‌شود تقریباً منحصراً بر نقایص موجود در سرمایه مالی و انسانی متمرکز هستند (و بدین ترتیب تنها خواستار وام و کمک فنی می‌شوند)، ولی کمبود سرمایه اجتماعی در این کشورها دست کم به همین

اندازه شدید است. چرا از تلاش برای تشویق «تشکیل سرمایه اجتماعی» خبری نیست؟ نابرابری‌های نژادی و طبقاتی در دسترسی به سرمایه اجتماعی، اگر به درستی اندازه‌گیری شود، ممکن است به شدت نابرابری‌های مالی و سرمایه انسانی باشد و به همان اندازه نیز بدفرجام باشد. گلن لوری اقتصاددان، برای توضیح این حقیقت بنیادین که تبعیض نژادی به همراه تفاوت‌های موجود در شبکه‌ها و هنجارهای جامعه که میراث اجتماع هستند باعث می‌شوند که سیاست‌های فردی «برابری فرصت‌ها» حتی در بلندمدت نیز به تنهایی نتوانند نابرابری شدید را ریشه کن کنند، از واژه «سرمایه اجتماعی» استفاده کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرصت‌های زندگی نسل امروز نه تنها به منابع اجتماعی والدینشان، بلکه به منابع اجتماعی گروه قومی والدینشان نیز بستگی دارد. حتی انطباق با محیط کار و پیشرفت شغلی اعضای موفق اقلیت‌های قومی نیز نمی‌تواند بر این تأثیرات ماندگار نابرابری سرمایه اجتماعی غلبه کند. ویلیام جولوس ویلسون در شرح اندوهناکی توضیح داده است که چگونه مهاجرت خانواده‌های طبقه متوسط و کارگر از محله‌های اقلیت نشین، سرمایه اجتماعی کسانی را که در این محله‌ها بر جای مانده‌اند فرسوده است. اکنون خانه‌های خیریه‌ای که یک قرن پیش انجمن‌های خیاطان و فعالیت‌های مدنی را تغذیه می‌کردند، که روحیه خیریه‌ای، تجلی روح اجتماعی نیز بودند، اکثراً متروکه شده‌اند.<sup>۲۷</sup>

برای مقابله با مشکلات کشور، سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، سرمایه انسانی، و سرمایه اجتماعی مکمل یکدیگر هستند و در تعارض با یکدیگر قرار ندارند. مثلاً سرمایه گذاری در زمینه مشاغل و آموزش، اگر با قدرت‌یابی مجدد انجمن‌های اجتماعی همراه باشد مؤثرتر است. به عنوان مثال پاتنم در تحلیل کارکرد نهادهای دینی مانند کلیساهای غربی تصریح می‌کند که برخی از کلیساها به ایجاد مراکز کاربایی می‌پردازند و با استفاده از سرمایه شهری که دارند برای اعضای خود که ممکن است محکومان سابق، معتادان سابق به مواد مخدر، یا افرادی که مدرسه را ترک گفته‌اند باشند همچون ادارات غیررسمی اعتبار، عمل می‌کنند. مهمتر از این که کارفرمایان محتاط و نهادهای مالی در شناسایی اهالی بخش که اعتبار نامه‌های رسمی‌شان اعتبار آنها را به درستی نشان نمی‌دهند به توانایی کلیساها تکیه می‌کنند. همزمان، چون اهالی کلیسا برای جایگاه خود در کلیسا ارزش قایل هستند، و چون کلیسا شهرت و آبروی خود را به خطر انداخته است، این افراد برای محترم شمردن تعهدات خود انگیزه بیشتری دارند. سرمایه اجتماعی همچون شکل‌های متعارف سرمایه برای وام‌گیرندگان معمولی، تضمینی برای زنان و مردانی است که از بازارهای عادی اعتبار یا کار حذف شده‌اند. در اصل، کسانی که در این فرایند شرکت دارند ارتباطات اجتماعی خود را به کار می‌گیرند و از اهرم سرمایه اجتماعی برای بهبود کارآیی بازار استفاده می‌کنند.<sup>۲۸</sup>

در این میان یک نکته را باید یادآور شد و آن اینکه سرمایه اجتماعی جایگزین سیاست عمومی کارآمد

نیست بلکه پیش‌نیاز و تا حدی یکی از پیامدهای آن است. همانطور که پژوهش پاتنم درباره ایتالیا نشان می‌دهند، سرمایه اجتماعی از طریق و به همراه دولت‌ها و بازارها کار می‌کند نه به جای آنها. سیاست عاقلانه می‌تواند ایجاد سرمایه اجتماعی را تشویق کند و سرمایه اجتماعی خود تأثیرگذاری اقدامات دولت را افزایش می‌دهد. از خدمات گسترش کشاورزی در سده گذشته گرفته تا معافیت‌های مالیاتی برای سازمان‌های محلی، حکومت امریکا اغلب سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی را ترویج کرده است و اکنون باید آن تلاش را دوباره احیا کند. دولت جدیدی که تمایل بیشتری به استفاده از قدرت و پول مردم برای اهداف عمومی دارد نباید اهمیت پیوند اجتماعی به عنوان ستون فقرات سیاست‌های کارآمد را نادیده بگیرد.

#### ۴- تقویت سرمایه اجتماعی از خلال برنامه‌های توسعه

پس از آنکه در بخش پیشین به تأثیرات مهم سرمایه اجتماعی در تسهیل و تعمیق توسعه اقتصادی اشاره کردیم، جا دارد که به سوی دیگر این رابطه یعنی راهکارهایی که در خلال توسعه اقتصادی برای تقویت انباشت سرمایه اجتماعی وجود دارد نیز پردازیم. توجه جدی به نتایج این بخش و بخش پیشین برای هدایت سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی کشور به سوی اصلاح رویکردها و تقویت محتوای برنامه‌های توسعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگرچه در این مجال امکان بسط دادن هر یک از راهکارهای مطرح شده و بیان تفصیلی لوازم و پیامدهای آن وجود ندارد، اما همین فهرست مختصر حاوی ابعاد بسیار قابل تأملی در راهکارهای اقتصادی تقویت سرمایه اجتماعی است، هم تقویت کمیت روابط و شبکه‌های اقتصادی و هم تقویت کیفیت و هنجارهای اقتصادی.<sup>۲۹</sup> همانطور که متذکر شدیم این سرمایه‌گذاری دولت و نهادهای عمومی در خصوص سرمایه اجتماعی از طریق بازده‌های کوتاه و بلندمدت و شاید بتوان ادعا کرد با بازده به مقیاس صعودی به نفع کارایی و سلامت اقتصاد باز می‌گردد. دقت کنید که راهکارهایی که در زیر آمده، تنها راهکارهایی است که از بعد سیاستهای اقتصادی تدوین شده است و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق راهکارهای فرهنگی و اجتماعی و قضائی در جای خود محفوظ است. ما راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی بوسیله برنامه‌های توسعه اقتصادی را در چهار گروه دسته‌بندی کردیم که البته بدون نقص نخواهد بود:

#### ۴-۱. راهکارهای سیاست اصلاح ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری

❖ برقراری نظام دولتی بر مبنای شفافیت عملکردها و سازوکار پاسخگویی مسؤولان

بخش‌های اقتصادی و قضایی به مراجع کارشناسی و مدنی؛

❖ اصلاح ساختار اداری- مدیریتی کشور با هدف تقسیم قدرت و مسوولیت اجتماعی-

اقتصادی به گروه‌ها و نهادهای مدنی ( تمرکززدایی از برنامه ریزی و مدیریت با حفظ

نظارت دولتی)؛

- ❖ استفاده‌ی جدی و مؤثر از گروه‌های اجتماعی، مجامع کارشناسی، انجمن‌های تخصصی، اصناف و اتحادیه‌ها در برنامه ریزی و تصمیمات مربوط به برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری‌ها و بودجه ریزی‌ها؛
- ❖ استقرار نظام یکسان پرداخت پاداش یا تنبیه کارکنان دولت برای تمام سطوح در راستای ایجاد رضایت‌مندی و تعاون اجتماعی؛

#### ۲-۴. راهکارهای سیاست فراهم سازی امکان و فرصت مشارکت همگانی

- ❖ رعایت موازین آمایش سرزمین، اصل توسعه منطقه‌ای با رعایت ملاحظات خاص و توازن توسعه شهر- روستا؛
- ❖ اولویت برنامه‌های توسعه به کیفیت رفاه اقتصادی و فراگیری آن با هدف توزیع عادلانه درآمد، رفع محرومیت و امکان رشد شخصیتی- اخلاق و مشارکت اجتماعی (بر اساس احیاء سازوکارهای مردمی و غیردولتی)؛
- ❖ رفع تبعیض اجتماعی در مزیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و ثروت‌های عمومی با هدف بالا بردن شاخص‌های توسعه انسانی؛
- ❖ تأکید سیاستی بر راهکارهای مبتنی بر رشد تولید ملی با ویژگی‌های بومی و از طریق صنایع و سرمایه‌های کوچک و خود اشتغالی؛
- ❖ طراحی سازوکار مشارکت واقعی و مؤثر میان کارکنان با مدیران بنگاه‌ها و سازمان‌های اقتصادی و میان کارشناسان با سیاست‌گذاران اقتصادی؛
- ❖ مهیا نمودن شرایط اقتصادی سوق دادن افراد به سوی تک شغلی (برای ایفای دیگر نقش‌های اجتماعی و فردی) و کنترل جدی در رعایت وظایف شغلی و اخلاق حرفه‌ای (در راستای اعتماد زایی و افزایش بهره‌وری)؛
- ❖ هدفمندی آماده کردن و حضور زنان در بازار کار با هدف حفظ ظرفیت آنها برای اهداف خانوادگی، ارتباطی و تربیتی

#### ۳-۴. راهکارهای سیاست بازسازی اعتماد عمومی

- ❖ برقراری حاکمیت اصل شفافیت کامل در تمام حوزه تصمیمات و عملکرد دولت و اطلاع رسانی سریع و صادقانه و برخورد بدون تبعیض با عوامل ناکارآمدی و فساد اقتصادی؛
- ❖ ایجاد اعتماد به ثبات قوانین و رویکردهای دولت با هدف حمایت جدی از فعالیت و سرمایه گذاری اقتصادی در کنار ثبات اقتصاد کلان و دادن اطمینان و چشم‌انداز روشن

برای آینده؛

- ❖ تقویت نهادهای مردمی و مدنی برای نظارت و نقد رویکردها و برنامه های اقتصادی دولت و تشویق برای یافتن مهمترین ضعفها و فسادهای دولتی
- ❖ نهادینه کردن فرهنگ راستگویی کاری و صداقت در امانتهای شغلی و وضع قوانین شدید برای کلاهبرداری و خیانت های اموال عمومی؛
- ❖ مسدود کردن راههای کسب درآمد غیرقانونی، رانتهای سازمانی - مدیریتی و سودهای سفته بازانه در معاملات، قراردادهای و بازارهای ارز و سرمایه؛
- ❖ توجه به اصلاح «هویت» و «خرده فرهنگها» در جامعه جدید و فرهنگ سازی براساس ایدئولوژیهای تمامیت جامعه ایران و به کارگیری ابزارهای فرهنگی در همگرایی فرهنگی، قومیتی، جنسیتی و نژادی؛

#### ۴- ۴. راهکارهای سیاست حفظ و تقویت روابط و شبکه های موجود

- ❖ سیاست عدم جابجایی و استقرار شهری (کار- منزل) و حتی الامکان حفظ روابط مبتنی بر بافت های شهری و استفاده از ظرفیت های آن؛
- ❖ لحاظ نمودن تقویت انجمن های علمی- حرفه ای، تشکل های مدنی و گروه های خودیاری در سیاست های مالیاتی و یارانه ای؛
- ❖ تخصیص بودجه در جهت حمایت از نهادهای فرهنگ ساز (مذکور در دسته اول راهبردها) و تاریخ و فرهنگ خودی؛
- ❖ تشویق و استفاده از ظرفیت صندوق های خود اتکایی در سیاست های پولی، پرداخت یارانه مستقیم و تشویق های اقتصادی.

پانوشته ها:

۱- Putnam, Robert (1993), p.35.

۲ - Woolcok & Narayan (2000), p.266.

۳- Falk & Kilpatrick (2000), p.103.

۴ - کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، ص ۹۸.

۵- Bourdieu (1986), p.248.

۶ -Falk (2001), p.4

۷- Raiser & Wallace & Nowotny (2001).p.3.

۸- World Bank (2000), "What is social capital", p.2.

۹- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، ص ۱۳.

۱۰- Palakurthi (2001), pp.14-6.

۱۱- کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، ص ۴۹.

۱۲- همان، ص ۵۰.

۱۳- Stone, Wendy (2001), p.7.

۱۴- Hopkins, Liza (2001), p.4.

۱۵- فوکویاما (۱۳۷۹) ص ۹۸.

۱۶- سن، آمارتیا (۱۳۸۰) فصل دوم.

۱۷- Putnam, Robert (1995), pp.65-70.

۱۸- Fukoyama, Francis (1999), pp.3-5.

۱۹- پاتنم، رابرت (۱۳۸۴) ص ۱۰۰.

۲۰- Joy Luck Club

۲۱- Putnam, Robert (1993), p.4.

۲۲- همان، ص ۵

۲۳- Palakyrthi (2001), p.17.

۲۴- Glaeser & Laibson & Sacerdote (2002).

۲۵- Silicon Valley

۲۶- پاتنم، رابرت (۱۳۸۴) ص ۱۰۲.

۲۷- همان، ص ۱۰۵.

۲۸- همان، ص ۱۰۶.

۲۹- در تدوین فهرست فوق از مقاله نویسنده در شماره ۳۲ فصلنامه راهبرد مرکز تحقیقات استراتژیک، با نام استراتژی اقتصاد بر محور سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

#### منابع:

۱. پاتنم، رابرت (۱۳۸۴) در «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین

خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.

۲. سن، آمارتیا (۱۳۸۰) «توسعه به مثابه آزادی» ترجمه حسین راغفر، تهران، نشر دستان.

۳. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹) ۴۱ «پایان نظم» ترجمه غلامعباس توسلی. تهران، نشر جامعه ایرانیان.

۴. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) «بنیادهای نظریه اجتماعی» ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.

۵. کلمن، جیمز (۱۳۸۴) در « سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.

6. Bourdieu, Pierre (1986), "*Forms of Capital*", In "Handbook of Theory & Research for Sociology of Education", Westport, Greenwood Press.
7. Falk, Ian (2001), "*Litracy & Community*", Tasmania University.
8. Fukoyama, Francis (1999), "*Social Capital & Measuring*", I. M. F Report.
9. Glaeser & Laibson & Sacerdote (2002), "*An Economic Approach to Social capital*", in "Economic Journal", no.112.
10. Hopkins, Liza (2001), "*What Is Social Capital*", Swinburne University of Tech.
11. Palakurthi (2001), "Social capital a conversation Pro & Con", pp.14-6.
12. Putnam, Robert (1993), "*The Prosperous Community*", in American Prospect. N. 13.
13. Putnam, Robert (1995), "*America Declining Social Capital*", in journal of democracy.
14. Putnam, Robert (2001), "*Bowling Alone*", U.S. Harvard University.
15. Raiser & Wallace & Nowotny & Haerpfer (2001), "*Social Capital in Transition*", Working paper, no.62.
16. Stone, Wendy (2001), "*Measuring Social Capital*", Australian institute of Family Studies.
17. UN (2001), "World Development Indicators".
18. Woolcock, Michael (1998), "*Social Capital & Economic Development*", in Theory & Society. Vol. 27. no.2
19. World Bank (2002), "*How Is Social Capital Measured*", Report Paper.
20. World Bank (2002), "*What Is Social Capital*", WB website/ Poverty/ Scapital.